

درس هفدهم فارسی دهم : سپیده دم

تو را « جنوب » نامیدم / ای که ردای حسین را بر دوش / او خورشید کربلا را در بر داری

قلمرو زبانی : منظور از جنوب، جنوب لبنان است / ردا: بالاپوش / **قلمرو ادبی** : جان بخشی در همه بیت ها / ردای حسین را بر دوش داشتن و خورشید کربلا را در بر داشتن: کنایه از ادامه دادن راه امام حسین و او را الگو قرار دادن است / خورشید کربلا: استعاره از امام حسین / تلمیح به داستان کربلا / جناس همسان: بر نخست و بر دوم / جناس ناهمسان: در، بر

معنی: (ای امام موسی صدر) تو را جنوب (که مرکز مبارزه و جایگاه شروع انقلاب تو بر ضد دشمن صهیونی است) نامیدم ، تو که بالاپوش امام حسین را بر شانه انداخته‌ای و او را به عنوان الگو در برابر خود داری و راهش را ادامه می دهی .

ای سرخ گل که فداکاری پیشه کردی / ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین / پیوند خورده‌ای

قلمرو زبانی : پیشه: شغل / برین: بالایی / **قلمرو ادبی** : ای سرخ گل: جان بخشی / سرخ گل، انقلاب زمین: استعاره از جنوب لبنان و امام موسی صدر /

معنی : ای لبنان و امام موسی صدر که از خود گذشته و فداکاری راه و رسم تان است ، ای سرزمینی که سرچشمه انقلابات هستی ، انقلابی آسمانی و الهی . (انقلاب لبنان و مردمانش مادی و زمینی نیست و با اهداف دینی و آسمانی پیوند دارد .)

ای سرزمینی کز خاکت / خوشه‌های گندم می روید / او پیامبران برمی خیزند .

قلمرو زبانی : رویدن: (بن ماضی: رست، بن مضارع: روی) / **قلمرو ادبی** : گندم: نماد نعمت و حاصلخیزی / خوشه‌های گندم می روید: کنایه از اینکه لبنان حاصل خیز است. / او پیامبران برمی خیزند: این سرزمین پیامبرخیز و مقدس است / تلمیح به تولد و زندگانی بسیاری از پیامبران الهی در این سرزمین لبنان و فلسطین دارد .

معنی : ای سرزمین حاصلخیز و پربرکتی که زادگاه و جایگاه بسیاری از پیامبران هستی .

تو را جنوب نامیدم / ای کشتی‌های صیّادی که مقاومت پیشه کرده‌اید / ای ماهی دریا که مقاومت پیشه کرده‌ای / ای دفترهای شعری که مقاومت پیشه کرده‌اید / ای روزهای عاشورا!

قلمرو زبانی: صیادی: ماهیگیری / مقاومت: پایداری / **قلمرو ادبی:** کشتی‌های صیادی: مجاز از ماهی گیران و ملوانان یا جانبخشی / ای ماهی دریا: جانبخشی / دفترهای شعری: مجاز از سرایندگان مقاومت / ای روزهای عاشورا: جانبخشی، تلمیح. (کشتی‌های صیادی ، ماهی دریا ،دفتر های شعر ، مجاز از تمام مردم لبنان از هر قشر و گروه است).

بازگردانی: همه مردم لبنان یکپارچه در برابر ستم ایستادگی و مقاومت می‌ورزند.

تو را جنوب نامیدم / تو را آبها و خوشه‌ها و ستاره غروب نامیدم / تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن / و پیکری در اشتیاق شهادت نامیدم / تو را انقلاب و شگفتی و تغییر نامیدم / تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم

قلمرو زبانی: نامیدم: ماضی ساده اول شخص مفرد **قلمرو ادبی:** جانبخشی / واژه آرای: تو را ، نامیدم / آب: نماد پاکی / ستاره غروب: نماد درخشش و آگاهی / غروب، سپیده دم: تضاد

معنی: ای امام موسی صدر: تو را نماد مقاومت مردم جنوب لبنان (شیعیان) تو را چون آبهای پاک و زلال، خوشه‌های با برکت گندم، ستاره‌ی درخشان و هدایت گر غروب که مانند راهنما برای مبارزان هستی ، سپیده دم ظهور و زایشی دوباره ، جسم و جانی شیفته‌ی شهادت، تورستاخیز و قیامی مقدس هستی که سرآغاز تغییر و شگفتی است و اندیشه مبارزه با اشغالگران را بنیان نهادی و تو را پاک و ارجمند و مصمم و قدرتمند نامیدم .

تو را جنوب نامیدم / ای چون سبزه برآمده از دفتر روزگاران / ای مسافر دیرین بر روی خار و درد / ای چون ستاره، فروزان / ای چون شمشیر، درخشان / بگذار بوسه ز نیم بر شمشیری که در دستان توست / بگذار گرد و خاک قدمهایت را بگیریم.

قلمرو زبانی: برآمده: رشد یافته ،رُسته / دیرین: کهن / فروزان: تابان؛ درخشان / خار: تیغ گیاهان / گذاشتن: اجازه دادن

قلمرو ادبی: چون سبزه برآمده؛ چون ستاره فروزان؛ چون شمشیر درخشان: تشبیه / دفتر روزگاران: اضافه تشبیهی / بر روی خار و درد بودن: کنایه از «در رنج و دشواری بودن» / بوسه زدن: کنایه از بزرگ داشتن / شمشیر: نماد ستیز و پیکار / گرد و خاک چیزی را بر گرفتن: کنایه از «بزرگ داشتن» / بگذار: تکرار

www.my-dars.ir

معنی: توراجنوب نامیدم ، زیرا چون سرسبزی آن همیشه در راه مبارزه ، باطراوت و بانشاط هستی. ای کسی مقاومت و ظلم ستیزی تو قدیمی و طولانی است ، تو زاده ی درد و رنجی. ای که چون ستاره راهنمای مبارزانی ، بگذار توو راحت را که همان مقاومت است احترام و تایید کنیم و باین احترام و قدر شناسی ، یاری گرتو باشیم و خستگی را از تو بزداییم .

ای سرور بارانها و فصلها، / تو را عطری نامیدم که در غنچه‌ها خانه دارد / تو را پرستو نامیدم / ای سرور سروران، / ای برترین حماسه !

قلمرو زبانی: سرور: بزرگ ، سالار / حماسه: دلاوری، شجاعت / **قلمرو ادبی:** تو را عطری ... دارد؛ تو را پرستو نامیدم: تشبیه / اغراق: ای سرور باران ها و فصل ها / پرستو: نماد خوش خبری و بشارت / باران: نماد پاکی / فصل: نماد دگرگونی و تغییر

معنی: تو بسیار پاک و ارجمندی. تو مانند بوی غنچه، دلآویزی و همه خانه های لبنان حضور تو را حس می کنند (الهام بخشی). تو مانند پرستو پیام آور بهار و رهایی و خوش خبری هستی . ای کسی که بزرگ ترین حماسه ، یعنی مقاومت و اتحاد در برابر اشغالگران را آفریدی .

دریا متنی نیلگون است / که علی آن را می نویسد / او مریم هر شب، روی شنها / به انتظار مهدی می نشیند / او گلهایی را می چیند / که از انگشتان شهیدان می رویند

قلمرو زبانی: نیلگون: همانند نیل آبی رنگ / **قلمرو ادبی:** نیلگون: تشبیه / دریا ... است: تشبیه / تلمیح به داستان حضرت مهدی و موضوع انتظار در شیعه / علی و مریم: نماد زن و مرد لبنانی .

بازگردانی: مردان لبنان با اتحاد یکپارچگی چون دریای سهمگین سرنوشت کشور را رقم می زنند و زنان این سرزمین فرزندانیت تربیت می کنند و در انتظار حضرت مهدی (عج) هستند و از دستاورد شهیدان بهره می برند .

تاریخ، روزی، روستای کوچکی را / از روستاهای جنوب به یاد خواهد آورد / که «معرکه» خوانده می شود / روستایی که با «صدرش»، با سینه اش / از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد

قلمرو زبانی: معرکه: آوردگاه، رزمگاه، نام روستایی که در جنوب لبنان نماد مقاومت در برابر صهیونیست هاست / صدر: سینه (صدور = جمع)؛ امام موسی صدر / **قلمرو ادبی:** تاریخ: مجاز از تاریخ نگاران / صدر: ایهام / خاک: مجاز از سرزمین

معنی: تاریخ نگاران روزی جانبازی های مردم روستاهای جنوب لبنان را به یاد می آورد. مردم این روستا با همه توان و با رهبر خود (امام موسی صدر) از سرزمین خود و انسانیت دفاع کردند.

سرورم! ای سرور آزادگان / در زمانه سقوط و ویرانی / جز تو، کسی نمانده است / که در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد / جز تو کسی نمانده است؛ / مگر تو / مگر تو / پس درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای!

قلمرو زبانی: / نخل: درخت خرما، خرما، خرمابن / عنب: انگور / تاکستان: باغ انگور (تاک: درخت انگور، مو)

معنی: ای رهبر و بزرگ آزادگان! روزگار ما که روزگار سقوط اخلاقی و ویرانی است و همه به فکر خود و تسلیم در برابر اشغالگران هستند. تنها تو هستی که به ما زندگی و نشاط می دهی و ما را به آینده امیدوار می سازی.

سمفونی پنجم جنوب، نزار قبّانی (1923-1998 م) (با کاهش و اندکی تغییر)

گنج حکمت: مزار شاعر

تیمور لنگ، گاه سوار بر اسبی که لگامی زرین داشت سرگرم اندیشه های دور و دراز خود از میدان جنگ به گورستان می رفت و از اسب پیاده می شد و تنها در میان قبرها به گردش می پرداخت و هر گاه بر مزار یکی از نیاکان خود یا شاعری بزرگ، سرداری دلاور و دانشمندی نامدار می گذشت، سر فرود می آورد و مزار او را می بوسید.

قلمرو زبانی: لگامی: افسار، دهنه / مزار: زیارت گاه / نیا: پدر بزرگ، جد / نامدار: سرشناس / قلمرو ادبی: سرگرم بودن: کنایه از مشغول بودن / سر فرود آوردن: کنایه از احترام و تعظیم کردن

تیمور، پس از آنکه شهر توس را گشود، فرمان داد که از کشتار مردم آن دست بردارند؛ زیرا فردوسی، شاعر ایرانی، روزگار خود را در آن به سر برده بود. آنگاه تیمور بر سر مزار او شتافت و چون جذبه ای اسرار آمیز او را به سوی فردوسی می کشید، خواست که قبرش را بگشایند: «مزار شاعر غرق در گل بود.»

قلمرو زبانی :گشود: فتح کرد / شتافتن: با عجله عازم شدن / جذبه: کشش / اسرار: ج سرّ، رازها قلمرو ادبی :دست برداشتن :کنایه از منصرف شدن / به سر بردن: کنایه از گذراندن

تیمور در اندیشه شد که پس از مرگ، مزار کشورگشایی چون او چگونه خواهد بود . پس، از راه قره قوم به سوی تاتار آنجا که نیای بزرگش، چنگیز، در معبدی آهنین آرمیده است، روی آورد . در برابر زائر نامدار که زانو بر زمین زده، و سر فرود آورده بود، سنگ بزرگی را که برگور فاتح چین نهاده بودند، برداشتند؛ ولی، تیمور ناگهان بر خود لرزید و روی بگردانید :«گور ستمگر غرق در خون بود.»

قلمرو زبانی : معبد: پرستشگاه / آرمیدن: خوابیدن ، آسودن / زائر: زیارت کننده / قلمرو ادبی :آرمیدن: کنایه از دفن شدن و مردن /

فرانسوا کوپه

مای درس
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir